

## سرنوشت ملی و نگاه مادی به آن !



### پیوسته به گذشته بخش یکصد و چهل و ششم :

**میگویند** دزدی که حین دزدی از پشت بام یک خانه پنجاه طبقه ای به پائین افتاده بود وقتی به طبقه بیستم رسید شکر خدا را کشید و با آواز بلند صدا زد که خدا را شکر تا اینجا که بخیر گذشت .



چنانچه در مباحث قبلی نشان دادیم با دریغ و تأسف باید گفت که بیماری برخی از دلایان روشنفکرانمای معتاد و طماعی که در شفاخانه ای بنام افغانستان اشباع میشوند چنان واگیر و با سرعت و شدت به همه سوپر آگنده میگردد که از هر اندیشه و تفکری که سالهای سال در سینه های خود پرستاری میکردند نه تنها عبور نموده اند بلکه بسیاری از دو آتشفشان ترین فعالان احزاب و حرکت های چپ و راست مذهبی که ریشه در تاریخ باستانی ما دارند با شعار ها و هدف های ایدئولوژیک خویش وداع گفته اند و پیوسته شعار خدا حافظ مردم سر داده اند .

<https://www.youtube.com/watch?v=gThRFIAPgYc>

شما در همین افغانستان امروزی توجه کنید که چگونه اکثر نیروهای که هر شام با شعارهای ایدئولوژیک چپ در دفاع از حقوق زحمتکشان و بینوایان دم از عدالت میزدند هم رنگ جماعت شدند و به نرخ روز آنرا نوعی ارزش در راه تکامل انسان میدانند ، درحالیکه انسان محکوم به تکامل و تحول بوده اما تحمل حقارت و ذلت را تکامل تاریخی انسان دانستن منطق معیوبی است که همه میدانند محصول مغز بیمار روشنفکران تریاکی قرن ما پنداشته میشوند .

<https://www.youtube.com/watch?v=DYhVzgbSwGM>

وقتی جناب محمد اشرف غنی دومین متفکر جهان و رئیس حکومت وحدت ملی افغانستان این تحفه فرسوده جان کری John Forbes Kerry وزیر خارجه دولت کریمیه ایالات متحده امریکا برای تقویت و استحکام مدرسه دیوبند یکی از مراکز علمی و دینی که روزگاری پاتوق علمای مبارز و استقلال طلبی همچون شاه ولی الله دهلوی و ده ها تن دیگر ضد استعمار انگلیس بودند



اما با هزاران درد و دریغ که تقاضای شرائط عینی و اجتماعی کشور هندوستان چنین است که از تبدیل نمودن خشونت از قوه به فعل بصورت طبیعی جلوگیری نمایند در غیر آن از لحاظ مذهبی دانشگاه دیوبند نیز در عصر کنونی پایند با همان قرئت مذهبی فقهی اند که در عصر حاضر هواداران دولت اسلامی عراق و شام یا همان گردانهای از داعش مانند شمشیر بر گلون دیگر اندیشان و مخالفان نهاده میشوند و آنانرا با صورت فجیعی میکشند و سر می برند



داستان بال دیگری از نظام حاکم بر کشور که با قرئت سنگواره ای و غیر عقلانی و اجتهادی از مذهب مانند شمشیر خونین بهره میبرند این گونه گروه های شبه مذهبی که مانند مغازه های تجاری هر صبح و شام با نام های جذاب و فریبنده ای در جامعه ظهور میکنند و سبز میشوند نهایت درد ناک است . واقیعت این است که این طائفه ای از شوالیه های مذهبی که کشتار و تجاوز بر مال و ناموس بی گناهان را رسالت و فریضه الهی و دینی خود می پندارند همان گفتمان و قرئت مذهبی را پیروی میکنند که با مسخ کلمه **مقدس جهاد** در سرتاسر عالم سرهای ازبی گناهان بریده میشوند ، من به عنوان شاگرد کوچکی از این حوزه اعلام میدارم که نه تنها دامن اسلام به مثابه دین کامل از لکه های جنایاتی که در عصر حاضر بنام دین و شریعت محمدی (ص) انجام می یابند پاک است بلکه قلمرو تمامی ادیان الهی و آسمانی از انجام چنین جنایات مبرا میباشند . زیرا قبل از آنکه انسان ظرفیت های خلافت آنها بر مبنای عقلانیت متعهد در زمین را دریابد در یک گفتمان و دیالوگ میان پروردگار با ملائکان که وی نیز از جمله فرشته گان بود فساد و خونریزی را به عنوان پدیده های زشت اینگونه بیان می فرمایند .  
**وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۳۰)**

<https://www.youtube.com/watch?v=PCRmSxOtj00>

براه انداختن چنین دیالوگ که از سوی پروردگار الهی تنظیم و با ملائکان مطرح میگردند بدون شک برپاکیزه گی تمامی ادیان توحیدی مهر برئت از **قتل** و **فساد** زده میشود . آنچه را که من از این دیالوگ زیبای ذات پروردگار با ملائکان استخراج میکنم این است که مسأله **قتل بشر** و **فساد** در زمین به عنوان ایجاد موانع در راه تکامل و پیشرفت بشر پدیده های مذمومی تلقی گردیده اند که دامن تمامی ادیان توحیدی و ابراهیمی از آن پاک است . البته باید گفت که برای دریافت چنین برداشت از هستی و انسان در زمین ضروری است فهم سنتی رابطه آفرینشی انسان با هستی و کائنات را نیز باید پالایش دهیم تا بتوانیم در حوزه زندگی بشر پاسخ بسیاری از پرسشها را دریافت . واقعیت این است که تمامی نیروهای که از سیستم لبرال مافیائی شبه بورژوائی حاکم بر افغانستان دفاع میکنند هرچند شعارهای ایدئولوژیک متفاوتی را حمل میکنند سرانجام هرم تحقیقاتی هر دو مسیر به نتایج واحدی میرسند که ماسوا از نگاه مادی به تاریخ نه میتوان آنرا به اسم و مفهوم دیگری نامگذاری کرد .

